

در دومین نشست رئیس‌جمهور با اصحاب رسانه چه گذشت

اهالی رسانه در قابی متکثر

شرق؛ در هشتمین روز از ماه مبارک رمضان اصحاب رسانه میهمان رئیس‌جمهور بودند و محمدمهدی رحیمی مدیرکل روابط عمومی نهاد ریاست‌جمهوری در واکنش به ضیافت یادشده، با انتشار مطلبی در حساب کاربری خود در توئیتر نوشت: سال‌هاست که اهالی رسانه چنین قاب متکثری را ندیده‌اند. او نوشته است: بیش از ۶۰ نفر از مدیران، سردبیران و خبرنگاران رسانه‌های مکتوب، تصویری، خبرگزاری‌ها و سایت‌ها از همه طیف‌های سیاسی، میهمان ریاست‌جمهور بودند و نظرات و دغدغه‌هایشان را با آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی در میان گذاشتند و روزه خود را در کنار هم افطار کردند.

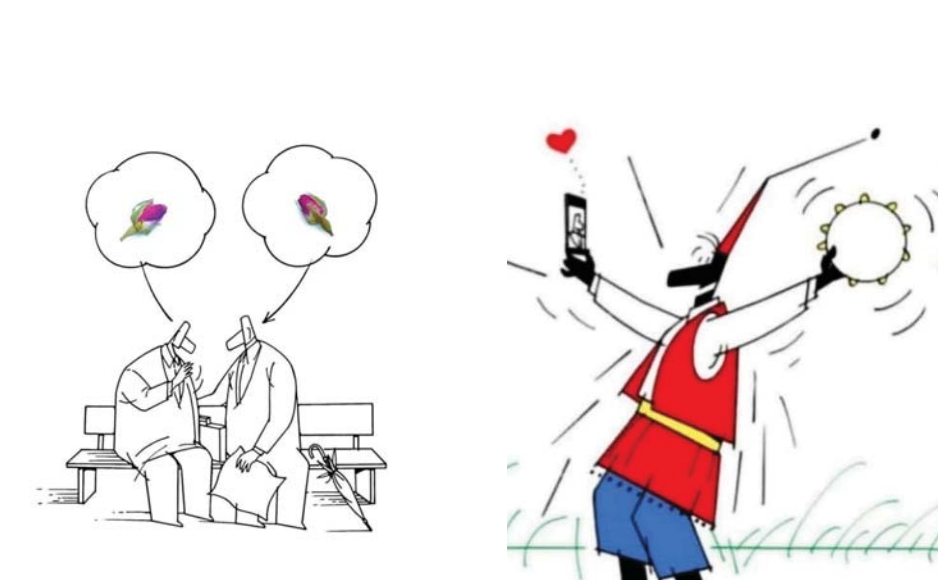
در این مراسم افطاری، گویا فرصت گپ‌وگفت میان مدیران مسئول و رئیس‌جمهور فراهم بوده و محمدعلی وکیلی، مدیرمسئول ابتکار با بیان اینکه همکاران وقت کافی برای اظهارنظر داشتند، خاطرنشان کرده است: هر کسی از منظر خود مسائلی کشور را درک کرد و البته در این میان حرف‌های مشترک هم زیاد بود؛ به‌رغم اینکه دو جریان سیاسی بودند اما همپوشانی دیدگاه‌ها به‌ویژه در

مسائل اقتصادی کشور و ضرورت برون‌رفت از شرایط اقتصادی موجود حرف‌های مشترکی زده شد.

مهدی رحمانیان، مدیرمسئول روزنامه «شرق» هم حُسن نشست دپیروز را قابی خواند که در آن، آقای رئیسی وسط نشست‌ه بود و آقایان داعی‌ی و شریعتمداری دو طرف او بودند که بسیاری از دوستان به رئیس‌جمهور گفتند این قابی که درست کردید اگر در سطح جامعه هم توسعه‌یابد و بر فضای سیاسی کشور حاکم شود، تعادل ایجاد می‌شود و جریانات و رویکردهای متفاوت می‌توانند کنار هم بنشینند و گفت‌وگوکنند. وی افزود: به نظرم این ظرفیت در دولت فعلی هست، با توجه به اینکه قوا و دستگاه‌های دیگر با او همراه هستند، آقای رئیسی می‌تواند از یک موضع پدرانه جناح‌های مختلف را جمع کرده و از آنان کمک فکری بگیرد و در مدیریت‌ها استفاده کند. این فرصت خوبی است که رئیس‌جمهور می‌تواند از این افراد به عنوان عقل متصل و منفصل بهره‌ ببرد. «محمدعلی وکیلی» مدیرمسئول روزنامه ابتکار هم برگزاری دومین نشست رئیس‌جمهور با اصحاب رسانه در مدت

به بهانه گذر از اولین نوروز پس از درگذشت کامبیز درمبخش

گذری بر یادگارهای نوروزی کامبیز درمبخش



به امید اینکه در سال نو گل نگیم و گل بشنویم ...

روح‌ها و همشینی و هم‌کلامی افراد است، در کنار سفره هفت‌سین وجود ندارد. در حالی که لباس و طرز نشستن سفره‌نشین هم نشان از آداب کهن دارد، با این همه او در کنار سفره هفت‌سین تنهاست و روی صفحه نمایشگر، کارت تبریک مجازی را دریافت یا ارسال می‌کند و با شخصی دیگری با استفاده از تلفن همراه سخن می‌گوید. این تصویری از واقعیت زندگی شهرنشینان امروز است که در اوج رعایت سنت‌ها از روح آن خالی‌اند و در عین حضور در میان همه داده‌هایی که با میراث گذشتگان ارتباط دارد، اما تنهایند و در

هفت ماه استقرار دولت سیزدهم را اقدام ارزشمندی برای تعامل دولت و نمایندگان افکار عمومی عنوان کرده و گفته است که این کار اقدام مثبت و قابل توجهی در تقویت ارتباط دولت با رسانه‌ها به حساب می‌آید.

طبق گزارشی که در رسانه‌ها از این مراسم منتشر شده گویا الیاس حضرتی صاحب‌امتیاز روزنامه اعتماد در این ضیافت خطاب به رئیس‌جمهور گفته است: آقای رئیس‌جمهور بی‌شک مهم‌ترین موضوع روز کشور بی‌اعتمادی به آینده است و انتخاب شما به عنوان عنصر پاک و صادق این بود که سرمایه اجتماعی را احیا کنید و ممنون که قدم‌های مثبتی را برداشته‌اید و سفرهای استانی بدون تشریفات و مصداق عملی اعتماد عمومی است. عدم کلنگ‌زنی پروژه جدید ارزشمند است و همچنین ایجاد درگاه مجوزها یک اقدام مفید و مبارزه با فساد است که در دولت سیزدهم در حال انجام است و حذف ارز ترجیحی کمک به مبارزه با فساد است. نادعلی مدیرمسئول سایت اصلاح طلب جماران نیز با بیان اینکه «امیدها به جنابعالی زیاد است» ادامه داد: علاوه بر اقدامات در قسوه مجریه، موضوعاتی که

تنهایی روزگار می‌گذرانند. ایضا اشاره‌هایی نیز به سیطره انکارناپذیر ماشین‌های دیجیتالی و روابط مجازی دارد. دیگر تصور برقراری و ماندگاری روابط انسانی بدون بهره‌گیری از ماشین‌ها و ابزار دیجیتال محال می‌نماید. سفره‌نشین درمبخش هم گرفتار ماشین‌زدگی نوین شده است.

به‌طورکلی نوروز و دید و بازدید تکیه بر تحکیم روابط دارد که امروزه از آن محرومیم. به تعبیری می‌توان این‌ کارتون را به محدودیت‌های کروئایی نیز نسبت داد. این نسبت‌دادن کاری است که در فرهنگ ما معمول و مرسوم است. مانند فال حافظ که هرکسی نظر به ملال و آمال خود آن را دریافت و تأویل می‌کند. عدم درج تاریخ در پای آثار زنده‌یاد درمبخش نیز آنها را «بی‌زمان» کرده است و کاش می‌شد فهمید که این اثر از چه روز و روزگاری است. هرچند بیان سهل و ممتنع آن فراتر از زمان و مکان است و می‌تواند به راحتی وارد فضای گفت‌وگوی انتقادی در گزارش شرایط موجود باشد و پیام‌های گوناگون نداعی کند.

یکی دیگر از سوزه‌های نوروزی درمبخش «حاجی فیروز» است. شخصیت حاجی فیروز در آثار او سیاه است، دایره‌زنگی در دست دارد و رقصان است، لباس و کفش و کلاه مخصوص هم دارد. در جایی حاجی فیروز تنها در صحنه است و در حال اجرای بازی‌های مخصوص خودش است اما تنها و در مقابل دوربین تلفن همراهش و در حال لایک جمع‌کردن یا در حال تماس تصویری با حتی ضبط ویدئو از خودش است. در هر صورت بدون حضور حتی یک تماشاگر. با‌زهم همان عناصر تجددگرایی، تنهایی، ماشین‌زدگی و تظاهر به سنت‌گرایی و دوری از بن‌مایه‌ی آن. در دیگر آثار او حاجی‌فیروز معمولاً نقشی مثبت دارد و پیام‌آور شور و شادی و بهار است. حاجی‌فیروزهای درمبخش انسان خموده را به شادی دعوت می‌کنند و در اکثر موارد موفق می‌شوند. در اثر دیگری یک انسان معمولی بعد از مواجهه با یک گل بهاری به وجد می‌آید و تبدیل به حاجی‌فیروز می‌شود. او در کارتونی چندبخشی که روایت‌گونه است، نوروشی حاجی‌فیروز و رویش گل را به هم می‌رساند که معلوم نیست ساز و سخن حاجی‌فیروز طبیعت را به وجد آورده یا انسان رهگذر با دیدن گل به شوق آمده و به حاجی‌فیروز تبدیل شده است. در یک نگاه اجمالی این دوگانگی و تضاد میان دو عنصر از شاخصه‌های سبک آفرینشی درمبخش است. البته نمی‌توان از مهارت قصه‌پردازی و ایجاد حرکت در تصویر نیز گذشت. این هم از دیگر ویژگی‌های سبک و آثار او بود. او متعلق به نسلی بود که با ارسال و دریافت کارت‌پُستال آشنایی داشت، ازاین‌رو تعداد زیادی کارت‌پستال نوروزی از او به یادگار مانده است که بعضاً در همین سال‌های اخیر هم پدید آمده‌اند. در یکی از آنها ازروی همشینی و هم‌کلامی دارد و این جمله را با کارتونی شیرین همراه می‌کند: «به امید اینکه در سال نو گل بگیرم و گل بشنویم...».

در آثار نوروزی او «توپ درکردن» هم جای خودش را دارد. با آن قریحه طنزآنانه زنده و ذاتی‌اش تصویر توپ فوتبال و مفهوم توپ درکردن به وقت تحویل سال را به هم آمیخته است. این هم بدون تاریخ است و نشانی از زمان و مکان و موضوع مشخص نیست. هرچند سوزهٔ آن روشن است و حتی می‌توان، در تخیلی کارتونی، این آثار را به توپ درکردن کنار برج آزادی در سال گذشته نسبت داد. آقای درمبخش، حیف که نوروز امسال در میان ما نبود.

زیرا این روش نیز مانند روش بیان مختصر خاطرات جواب‌گویی نیاز جامعه نیست. او ادامه داد: نحوه سؤال‌کردن از فردی که خاطراتش را بیان می‌کند، بسیار مهم است.

سؤال‌کردن اعظم حسینی، نویسنده خاطراتم برای من خیلی جالب بود. او برای درک بهتر حرف‌هایم تحقیق می‌کرد و متوجه بود که من در زمان جنگ به دلیل آنکه دشمن در اطرافم بود، ترسم را نشان نمی‌دادم؛ اما مانند هر فرد دیگری ترس‌هایی داشته و دارم که آنها را انکار نمی‌کنم. بیان این احساسات باعث می‌شود که مخاطب خاطراتم راحت‌تر با من هم‌ذات‌پنداری کند. این راوی گفت: هنر انقلاب ما تأثیر بسیار کمی در سطح بین‌الملل دارد؛ زیرا با توجه به تجربه‌های خود متوجه شدم فرزندان شهیدان نیز هنوز با حقایق انقلاب و دفاع مقدس به اندازه کافی آشنا نشده‌اند و شناخت درستی از هنر انقلاب ندارند. با وجود همه این موضوعات از نظر من نقشه راهی برای آینده هنر انقلاب وجود دارد؛ اما برخی از مسئولان فرهنگی و هنری ما صرفاً برای پربارکردن برآورد کاری‌شان روی کمیت تمرکز کرده و کیفیت را در حاشیه قرار داده‌اند. مثلاً با پایان تعطیلات عید برخی از مسئولان اعلام می‌کنند که تعداد زیادی از افراد با کاروان راهیان نور همراه شده و به مناطق جنگی رفته‌اند تا از این مناطق بازدید کنند و حس و حال آن مکان‌ها را درک کنند. من از این موضوع ناراحت می‌شوم؛ زیرا تجربه کرده‌ام و دیدام تعدادی از افراد که همراه با کاروان راهیان نور به مناطق مذکور می‌روند، پس از بازگشت از آن سفر مطالب چندانی از اطلاعات بیان‌شده را به خاطر نمی‌آورند. البته این امر درباره همه بازدیدکنندگان مناطق جنگی صدق نمی‌کند.

کاتبی در پایان با اشاره به اینکه هنر انقلاب که هنری مردمی به حساب می‌آمد، امروزه به هنری دولتی تبدیل شده است. بیان کرد: در گذشته فرهنگ ایثار در خانواده‌های ایرانی بسیار بزرگ بود. اما امروز این‌طور نیست.

هماهنگی قوای دیگر را نیز نیاز دارد، دنبال کنید. موضوع کاغذ موضوع اصلی رسانه‌های مکتوب است. برای رسانه‌های فضای مجازی موضوع اینترنت است و اینترنت کسب‌وکار ما را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. امیدواریم یک جمع‌بندی مناسبی با رعایت حقوق مردم در موضوع اینترنت اتخاذ شود.

قوچانی مدیرمسئول مجله آگاهی‌نامه با تعریف و تمجید از رئیس‌جمهور سخنان خود را آغاز کرد و گفت: آقای رئیسی ا نشست‌های شما یک سنت حسنه در دولت‌هاست و جنابعالی دارای سعه صدر بالایی هستید. شما سرمایه‌های سیاسی بالایی دارید. برای اولین بار است که آقایان شریعتمداری و داعیی در کنار هم قرار می‌گیرند و این از اجماع سیاسی بالای شماسنت و این قدرت شما از بعد سیاسی ارزشمند است و برای حل مشکلات جامعه مفید به نظر می‌رسد. قانون انتخابات ما دارای مشکلاتی است که باید حل شود و همچنین در سیاست خارجی مسئله هسته‌ای معلول است و علت نیست و مسئله دشمن در برابر کشور ما هسته‌ای نیست و دنبال موضوعات دیگری است.

یادداشت وخبر

تکرار تاریخ در مونیخ

مهدی ججوئی: آیا سینمای غرب، در خدمت آمریکا و انگلیس است؟ کسی پرسیده بود در برابر این همه فیلمی که در محکومیت آلمان نازی تولید شده، چند فیلم درباره جنایات آمریکا و انگلیس ساخته شده است؟

فیلم مونیخ – لبه جنگ (Munich – Edge of War) محصول ۲۰۲۱ به کارگردانی کریستین شوچو است. این فیلم کمی ما را به یاد شرایط امروز تهاجم روسیه به اوکراین می‌اندازد. فیلم یک ژرف‌ساخت و یک رو‌ساخت دارد. ژرف‌ساخت فیلم پیشینه واقعی جهانی دوم هیتلر آلمان را برای حمله به چکسلواکی آماده می‌کند. چمبرلین نخست‌وزیر بریتانیا برای پیشگیری از شروع و گسترش جنگ در اروپا و خاموش کردن آتش درون هیتلر تصمیم می‌گیرد قسراردادی با او امضا کند. بر اساس قرارداد که به قرارداد مونیخ شهرت دارد، توافق می‌کنند مناطق آلمانی کشور چکسلواکی به آلمان واگذار شوند و در عوض آلمان از شروع و گسترش جنگ بیزیم کند. رو‌ساخت فیلم هم داستانی جذاب است. دو جوان انگلیسی و آلمانی زمانی هم‌کلاس بوده‌اند و بعد از سال‌ها هر دو در کشور خود در بدنه سیاسی کشورهایشان شافل می‌شوند. این دو تلاش می‌کنند به نحوی چمبرلین نخست‌وزیر بریتانیا را متقاعد کنند که به هیتلر اعتماد نکند و از امضای قرارداد منصرف شود، زیرا مدرکی هست که نشان می‌دهد هیتلر به عهد خود پایبند نخواهد بود. در مجموع کسانی هیتلر را مقصر می‌دانند و در مقابل کسانی عقیده دارند انگلستان مایل به گرفتن ماهی از آب گل‌آلود بوده است. البته این‌را هم بایدگفت که فیلم گرچه در اصل ضد هیتلر است اما نخست‌وزیر انگلیس نویل چمبرلین را هم از انتقاد تند بی‌نصیب نگذاشته است، کم‌اینکه امروزه کسی همچون کیسینجر عقیده دارد که در جریان حمله روسیه به اوکراین گناه غرب بیشتر از بوتین جنایتکار است؛ زیرا با حرکت‌هایی تحریک‌آمیز کوشیده تا دامنه ناتو را به شرق گسترش دهد. هرچه هست، امروزه به هیچ‌یک از قدرت‌ها اعتمادی نیست. این روزها به رفتارهای ضد مردمی دولت بریتانیا توجه کنید. نمونه‌اش سخت‌گیری در پذیرش پناه‌جویان اوکراین و سفر اخیر نخست‌وزیرشان بوریس جانسون به عربستان یکی، دو روز بعد از اعدام بی سابقه ۸۱ نفر در عربستان است. «مونیخ – لبه جنگ» را ببینید.



ادامه از صفحه اول

ابردهکاران بانکی

مانند رقم مربوط به میزان نقدینگی و رشد آن که آن‌قدر عجیب است که حتی با استفاده از واژگان جدید مثل همت (هزار میلیارد) نیز در ذهن محاسباتی مردم عادی قابل رهگیری نیست. وضعیت این ارقام در محاسبات روزمره مردم، مانند صداهای مافوق صوت است که چون فرکانس‌شان از ۲۰ هزار هرتز بیشتر است، نمی‌توانند مایع درون حلزونی گوش را به ارتعاش درآورند و در نتیجه اصلا برای گوش ما قابل شنیدن نیستند. به هر حال دانستن اینکه چه افراد و شرکت‌هایی ابردهکار بانکی هستند، از ندانستن آن بهتر است و دست مسئولان بانکی درد نکند که اطلاعات عمومی مردم را افزایش می‌دهند! حالا بد نیست همین بانک‌ها در راستای این اقدام مردمی توضیحی هم بدهند که وام اعطایی به این ابردهکاران چه نرخ سودی داشته است؟ چه تضمینی برای اعطای این وام‌ها برای شده است؟ اعتبارسنجی وام‌گیرنده و تضمین وی چگونه انجام شده است؟ وقتی برای پرداخت وام به یک کارمند دولت مراحل مختلف اداری طی می‌شود و انواع تضمین اعم از سفته و... مطالبه می‌شود و این تحقیقات مدت‌ها طول می‌کشد، اعطای وام به این ابردهکاران چقدر طول کشیده است؟ چقدر از این بد‌هی‌ها قابل وصول و چقدر مشکوک‌الوصول یا لاوصول است؟ این وام‌ها برای چه مصارفی اعطا شده است؟ آیا بر هزینه‌کرد آنها نظارت شده و این مبالغ در همان محلی که در درخواست وام اعلام‌شده هزینه شده است؟ در مقابل این پولی که از منابع مالی بانک خارج شده، چه دارایی و اموالی ایجاد شده و چقدر ارزش‌افزوده دارد؟ یا ارائه توضیح درباره این سؤال‌ها توسط مسئولان بانکی، دیگر اطلاعات عمومی به جامعه داده نمی‌شود بلکه زمینه تحقق اراده عمومی برای حل مشکلات فراهم می‌شود.